

بازدارنده‌های ارتباط در گفتار و رفتار امام رضا علیه السلام *

□ علی جانفرا^۲

□ علی خیاط^۳

چکیده

معصومان علیهم السلام به عنوان تبیین کنندگان وحی و وظیفه داشتند با گفتار و رفتار خود، پیروان دین مبین اسلام را با بایدها و نبایدهای زیستن آشنا نمایند. انسان به عنوان موجودی اجتماعی چاره‌ای جز ایجاد ارتباط با هم‌نوعان ندارد و در این راستا اگر بخواهد ارتباطی اثربخش با هم‌نوعان برقرار نماید، باید از پاره‌ای عوامل مؤثر بهره‌گیری کند و از بخشی بازدارنده‌های ارتباط دوری گزیند.

این نوشتار با هدف استخراج و دسته‌بندی پاره‌ای از موانع و بازدارنده‌های ارتباط اثربخش در گفتار و رفتار امام رضا علیه السلام تدوین شده است. این بازدارنده‌ها در ابواب مختلف حدیثی و نه فقط در ابواب اخلاقی احادیث ایشان به چشم می‌خورد.

تنوع سه دوره مختلف در دوران امامت ایشان و نگاه ویژه از حیث ارتباطی به احادیث آن امام همام می‌تواند الگویی ویژه برای شیوه رفتاری مدیران و بلکه همه علاقه‌مندان به خاندان اهل بیت علیهم السلام باشد.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۳۰.

۱. کارشناس ارشد علوم حدیث - تفسیر اثری (نویسنده مسؤول)

۲. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی

در این نوشتار، که به شیوه کتابخانه‌ای سامان یافته است، بازدارنده‌ها در دو گروه کلی درونی و بیرونی تقسیم شده که اجمالاً بازدارنده‌هایی همچون شیطان و نفس اماره، تحقیر، حسد، دروغ، بخل، فخر فروشی، بهتان، تکبر، غیبت، کینه و عداوت، ترس و بدزبانی به عنوان موانع ارتباط آورده شده است.

شوخی بیش از حد، مشاجره، نسبت ناروا، خشم، مجادله، محدود نمودن ارتباط، بی توجهی به احساسات طرف مقابل، تفاوت برخورد، هم نشینی با بدان، پیام‌های غیر کلامی نامناسب، ستایش افراطی مخاطب و نصیحت از دیگر بازدارنده‌های ارتباط است که شواهد آن را در احادیث امام رضا علیه السلام یافته‌ایم.

واژگان کلیدی: ارتباط مؤثر، بازدارنده‌ها، مخاطب، امام رضا علیه السلام.

مقدمه

ارتباط فراگرد انتقال پیام از گیرنده به فرستنده است، مشروط بر این که در گیرنده پیام مشابهت معنای مورد نظر فرستنده صورت پذیرد. در دایره بحث ما دو رکن اصلی فرایند ارتباط، گیرنده و فرستنده هستند، از جنس انسان با همه پیچیدگی که برای این موجود خاکی متصور است. موجودی که خداوند بر او منت نهاد که از جنس او برایش پیامبری برگزید تا پیام الهی را به او برساند. پیامی که منبع آن ذات باری تعالی و رساندن آن بر دوش پیامبران الهی علیهم السلام است، که در آخرین بسته پیام به وسیله ختم رسل برای هدایت متقین ارسال شد و معصومان علیهم السلام وظیفه تبیین آن را داشتند.

پیامبر رحمت و اهل بیت پاکش علیهم السلام سعی بلیغ و تلاش طاقت سوزی در مقام تبیین داشتند تا با قول و فعل و تقریرشان بیشترین حد این مشابهت معنایی را در پذیرندگان پیام ایجاد نمایند، تا مگر به اصلی‌ترین هدف نزول وحی، یعنی هدایت متقین نایل آیند.

اما آیا با مراجعه به تقلین می‌توان به عوامل و موانع ارتباط اثربخش دست یافت؟ آیا برای فهمیدن عوامل برقراری ارتباط مؤثر یا بازدارنده‌های ارتباط، میراث حدیثی ما می‌تواند نکاتی را برای بهره‌گیری ژرف‌اندیشان عرصه ارتباط

عرضه دارد. آیا در احادیث رضوی علیه السلام به عنوان عالم آل محمد علیه السلام می توان به نکاتی در این خصوص دست یافت؟ یا این مبحث پر کاربرد تنها در انحصار علوم ارتباطات اجتماعی به عنوان علمی جدید است؟

از دسته بندی مناسب علوم ارتباطات اجتماعی در عوامل برقراری ارتباط و بازدارنده های آن نمی توان غافل بود، اما تفاوت مبانی غرب در انسان شناسی و بایدها و نبایدهای زندگی اجتماعی از یک طرف و ایمان ما به جنبه هدایت گری قرآن و تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر چنگ زدن به قرآن و عترت برای گمراه نشدن امت اسلام در قرون بعد از دیگر سوی و همچنین دوران خاص حضرت رضا علیه السلام در تنوع موقعیت ارتباطی، چه در مدینه و چه در مرو، از جهت سوم ما را به سوی تتبع در میراث حدیثی حضرت رضا علیه السلام رهنمون می سازد.

نکته دیگر این که عوامل برقراری ارتباط مؤثر، چه از حیث زیرساخت های درونی و چه بایدهای رفتاری از نظر میراث حدیثی حضرت رضا علیه السلام در دو مقال دیگر بررسی شده و در این جستار بر آنیم با بررسی تمام ابواب حدیثی حضرت، و نه فقط احادیث اخلاقی، چنانچه دیگر پژوهش های این زمینه داشته اند، به بررسی بازدارنده های ارتباط در گفتار و رفتار امام هشتم علیه السلام بپردازیم.

از نظر دور نداریم که در منابع علوم ارتباطات اجتماعی به بحث بازدارنده های ارتباط پرداخته شده و بازدارنده هایی مانند کاهش عزت نفس، تحریک حالت دفاعی فرد، مقاومت و رنجش یا احساس بی کفایتی برشمرده شده است. توماس گردون نیز در این خصوص فهرستی ارائه کرده که در سه دسته قابل دسته بندی است.

اولین دسته، قضاوت است که مشتمل بر چهار عنوان انتقاد، نام گذاری، تشخیص گذاری و ستایش همراه با ارزیابی می باشد. دومین دسته، ارائه راه حل است که مشتمل بر پنج عنوان دستور، تهدید، اخلاقی ساختن، پرسش های زیاد و نامناسب و نصیحت کردن بوده و بالاخره سومین دسته، اجتناب نگرانی از طرف

مقابل است که این قسمت نیز مشتمل بر سه عنوان منحرف‌سازی، بحث منطقی و اطمینان‌آفرینی است.

گرچه بعضی از این موارد در میراث حدیثی عترت آل طاها علیهم‌السلام قابل مشاهده است، ولی دیدگاه‌های خاص حاکم بر تفکر اندیشمندان غرب، بعضی از موانع که در فرمایشات معصومان علیهم‌السلام مورد تأکید است را بر نمی‌تابد.

در بسیاری از احادیث اخلاقی معصومان علیهم‌السلام، عموماً و امام هشتم علیه‌السلام خصوصاً، بر تذکر به دوری از بعضی از عوامل درونی و رذایل تأکید شده است که همه این‌ها موجب عدم برقراری ارتباط اثربخش با دیگران می‌شود. برای فهم این مطالب در احادیث رضوی راهی جز بررسی رفتار و گفتار حضرت در ابواب مختلف حدیثی نیست. در متن پیش رو سعی شده با توجه به شواهدی که دیده‌ایم به دسته‌بندی و تحلیل این موارد در دو گروه موانع درونی و موانع بیرونی، که این قسم دوم در رفتار متجلی می‌شود، پردازیم.

موانع درونی

برخی موانع ارتباط اثربخش از درون انسان نشأت می‌گیرند و به نوعی موجب می‌شوند به فرایند انتقال پیام آسیب رسانده شود. به گونه‌ای که به شخصیت فرستنده و گاه گیرنده پیام لطمه زده و موجب نشنیده شدن پیام در انتهای مسیر انتقال پیام می‌شوند.

شیطان و نفس اماره

از شیطان، دشمن قسم خورده انسان، معمولاً به دلیل بدهت دشمنی او صرف نظر می‌شود. موانعی که در ذیل خواهد آمد یا از نفس سرکش انسان ناشی می‌شود، یا پیش‌کشی از جانب شیطان است که هر دو از درون انسان نقش بازدارندگی دارند. در کلام رضوی علیه‌السلام به زیبایی به وجود این دشمن قسم خورده و آسیب‌هایی که بر ارتباط بین مؤمنین می‌گذارد تذکر داده می‌شود و سپس به

سایر آسیب‌هایی که به ارتباط بین مؤمنین عارض می‌شود، اشاره می‌نمایند.

﴿۳۳﴾

ای عبدالعظیم! دوستان مرا سلام برسان و به آنان بگو در دل‌های خود برای شیطان راهی باز نکنند، و آنان را امر کن به راستگویی در گفتار و ادای امانت و سکوت و ترک منازعه و جدال در کارهای بیهوده، و امر کن که با یکدیگر رفت و آمد نمایند، که این عمل آنها موجب نزدیکی به من می‌شود. دوستان من نباید اوقات خود را به مخالفت و دشمنی با یکدیگر مشغول سازند. من با خویشتن پیمان بسته‌ام که هر کسی مرتکب این گونه کارها شود، و یا یکی از دوستانم را مورد خشم و غضب قرار دهد، از خداوند بخواهم تا وی را در دنیا به سخت‌ترین عذاب گرفتار کند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۷؛ عطاردی، بی‌تا، ص ۴۷۹).

راه نیافتن شیطان به درون ما در فرازهایی از دعاهای شب جمعه نیز آمده است:

«... وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ عَلَيَّ عَقْلِي سَبِيلاً وَ لَا لِلْبَاطِلِ عَلَيَّ عَمَلِي دَلِيلاً...»
(طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۸۰)؛ و برای شیطان راهی علیه خردم، و برای باطل راهنمایی علیه کردارم قرار مده.

نکته دیگر این که در کلام امام رضا علیه السلام تلویحاً عقل و تفکر در مقابل شیطان قرار داده شده که اگر آدمی از قوه تفکر بهره برد، شیطان و اذنب او نمی‌توانند در او نفوذ نمایند.

حسد

یکی از رذایل اخلاقی که در فرایند ارتباط تأثیر منفی می‌گذارد، حسد است. در منابع اخلاقی از این رذیله بسیار سخن به میان آمده است. باید توجه داشت بر اساس آموزه‌های دینی، حسد، حتی در سرنوشت انسان تأثیر منفی می‌گذارد. امام هشتم علیه السلام در توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ایشان بدون این که موجبات ناراحتی مردم را فراهم آورد خود را از شر ایشان حفظ می‌کرده است.

نبی اکرم صلی الله علیه و آله از مردم بیم داشت و خود را از آنان حفظ می‌کرد، بدون این که

کسی را از اخلاق و کردار خود ناراضی کند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۱۸).

همچنین روایتی به نقل از پیامبر ﷺ در انذار از حسد وارد شده است که حسد به قدری زیاد شده که عن قریب است از قضا و قدر پیشی بگیرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۳۲).

در حدیثی دیگر نیز امام رضا علیه السلام انسان حسود را فاقد راحتی می‌داند:

بخیل راحتی، و حسود لذت، و پادشاهان وفا و دروغ گو مردانگی ندارند (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۵۰).

از مجموع احادیث فوق می‌توان به این نکته رسید که انسان حسود با بیماری که دارد می‌تواند طرفی را که به او رشک می‌ورزد به سختی و مشکل بیاندازد، به طوری که رسول اکرم ﷺ در دو حدیث اول آثاری که فرد حسود بر طرف مقابل می‌گذارد را جدی گرفته و خود را از ایشان حفظ می‌نماید. اثر وضعی این امر دوری انسان مطلع (مانند پیامبر ﷺ) از این امر از فرد حسود و عدم تداوم ارتباط فرد غیر مطلع، به دلیل آثار بعدی حسد، با فرد حسود است. بالاخره در حدیث آخر فرد حسود به دلیل این که لذتی از موفقیت‌های طرف مقابل نمی‌بیند انگیزه‌ای برای تداوم ارتباط با وی نداشته و تمام انگیزه‌اش ضربه زدن به وی و نه آموختن چیزی از او و لذت بردن از همنشینی با فرد مقابل است.

بخل

تنگ نظری و بخل نیز می‌تواند از موانع ارتباط مؤثر باشد. در لسان روایات رضوی علیه السلام بخل معنایی وسیع‌تر از آنچه در اذهان است دارد. از امام رضا علیه السلام درباره معنای جواد، که نقطه مقابل بخیل است، سؤال شد که فرمود:

... اگر از مخلوق سؤال می‌کنی، جواد کسی است که واجبات خداوند را انجام دهد، و بخیل کسی را گویند که واجبات پروردگار را انجام ندهد، و اگر مقصودت از جواد خداوند است، اگر بدهد جواد است و اگر ندهد باز

هم جواد است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۹).

﴿۳۵﴾

بر طبق این حدیث، بخل انجام ندادن واجبات الهی است و معنای مصطلح، یکی از معانی تحت شمول این حدیث است. در صورتی که این معنا را در نظر بگیریم بسیاری از موانع ارتباطی تحت لوای این مورد قرار می‌گیرد. این حدیث می‌تواند ناظر به اهمیت موضوع جود و در مقابل آن بخل در زندگی باشد. در حدیثی پیش از این خواندیم که امام رضا علیه السلام در مذمت بخیل فرمود برای بخیل راحتی نیست (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۵۰).

امام رضا علیه السلام بخل را در جنبه اجتماعی و ارتباطی آن در مقابل سخاوت این گونه تحلیل می‌فرماید:

سخی از غذای مردم می‌خورد تا مردم هم بر سر سفره او حاضر شوند و از غذاهای او بخورند، و لیکن بخیل برای اینکه مردم از طعام او نخورند از خوردن طعام دیگران خودداری می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۲).

در حدیثی دیگر بخیل را از بهشت دور و به جهنم نزدیک می‌داند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۲).

همچنین امام رضا علیه السلام خطاب به علی بن شعیب، می‌فرماید:

ای علی! بدترین مردم آن کسی است که دیگران را از عطای خود محروم کند و تنها بخورد، و زیر دستان خود را خوار دارد (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۸).

تکبر

یکی از موانع برقراری ارتباط مؤثر، تکبر و خود بزرگ بینی است. شخص متکبر به دلیل این که دیگران را هم‌شان خود نمی‌داند، از قوه هم‌دلی و برقراری ارتباط اولیه با مخاطب بی‌بهره است. به همین دلیل مردم از ایشان فاصله گرفته و تمایلی به برقراری ارتباط با افراد متکبر ندارد.

این رذیله در آموزه‌های دینی به شدت این رذیله زشت شمرده شده است.

چنان که خواهیم دید امام رضا علیه السلام از قول جدش امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند، خانه‌ای را که در آن تکبر می‌ورزند دشمن می‌دارد (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۸۸). همچنین ایشان از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت می‌فرماید: هر کس گرفتار خودبینی گردد هلاک خواهد شد (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۴۷).

کینه و عداوت

کینه در آموزه‌های دینی صفتی مبغوض است. کینه عوارض فراوانی به دنبال دارد که یکی از آنها آسیب رساندن به ارتباط و لطمه زدن به پایداری آن است. در لسان احادیث عداوت با برادر مؤمن موقعیت‌های حتمی آمرزش و استجابت دعا را از بین خواهد برد. در حدیثی امام رضا علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند در شب‌های قدر به اندازه ماه رجب و شعبان بندگان آمرزیده می‌شوند، مگر آن که کسی با برادر دینی خود بغض و عداوت داشته باشد:

در شب اول ماه رمضان شیاطین در بند گرفتار می‌گردند و در هر شب خداوند هفتاد هزار نفر را می‌آمرزد، و در شب قدر به اندازه ماه رجب و شعبان آمرزیده می‌سازد، مگر کسی که با برادر دینی خود بغض و عداوت داشته باشد.

خداوند می‌فرماید بنگرید هر گاه این‌ها با هم صلح کردند من آنها را خواهم آمرزید (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۷۱؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۳۸).

براساس این حدیث شریف پیش شرط غفران الهی در شب‌های قدر، بازسازی ارتباط میان مؤمنین و زدودن کینه و عداوت است؛ چرا که با حکم فرما شدن دوستی بین مؤمنین و پاک شدن قلوب ایشان است که زمینه برای پاکی روح و در نهایت ارتباط با خداوند متعال محقق خواهد شد.

ترس

یکی از موانع ارتباط می‌تواند جبن و ترس باشد. ترس از این جهت به فرایند ارتباط آسیب می‌رساند که انسان ترسو چون ناامید و مأیوس است از گفتن پیام و

سخن خود صرف نظر می‌کند و در صورت آغاز سخن با کوچک‌ترین چالشی ارتباط را رها کرده و به سرانجام نمی‌رساند. امام رضا علیه السلام از علی علیه السلام روایت می‌فرماید:

ترس آدمی را مأیوس می‌کند و اشخاص ترسو دنبال هیچ کاری نمی‌روند، فرصت‌ها را دریابید که در فرصت‌ها منافع زیادی هست (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۲۵).

در این حدیث شریف تأکید امام علیه السلام بر عدم شروع یا ادامه کار به دلیل یأس انسان ترسو تأکید کرده‌اند و البته یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های روزمره انسان همین برقراری ارتباط با هم‌نوعان است. در بسیاری از موارد برای آغاز کار، انسان به دلیل اجتماعی بودن نیازمند برقراری ارتباط است. در خصوص امام هشتم علیه السلام یکی از صفات عالیه، شجاعت ایشان است که در جای جای سیره عملی ایشان، از جمله سفر مدینه تا مرو و حتی در تعامل با مأمون مشهود است. امام علیه السلام نه تنها از سخنرانی در شهرهای مختلف، با وجود همراهان سفاکی که مأمون در رکاب ایشان گسیل داشته، خودداری نمی‌فرمایند، بلکه از گفتن سخن صریح با مأمون نیز در خصوص بایدها و نبایدهای خلافت خودداری نمی‌نمایند.

موانع بیرونی (رفتاری)

بازدارنده‌های بیرونی که بیشتر در رفتار انسان متجلی می‌شوند، افعالی است که از فرستنده پیام صادر می‌شود و به طرق گوناگون موجب اخلال در رسیدن پیام به گیرنده شده و براساس آموزه‌های رضوی، این موارد که از رذایل اخلاقی نیز هستند به این فرایند اجتماعی لطمه خواهد زد.

تحقیر

در آموزه‌های رضوی علیه السلام تحقیر مخاطب بسیار زشت شمرده شده است. از دیدگاه ایشان شخصیت انسان بسیار رفیع است و باید از عواملی که باعث

کوچک شمردن مخاطب می شود جلوگیری نمود. امام رضا علیه السلام در مواردی که فرد، خود را در معرض تحقیر قرار می دهد با رفتار خود به او می آموزد که چگونه این مانع را برطرف نماید.

یسع بن حمزه از امام علیه السلام نقل می کند روزی مردی که در سفر حج زاد و توشه خود را از دست داده بود مشکل را با امام علیه السلام مطرح می کند و از ایشان درخواست کمک می نماید. امام علیه السلام به منزل رفته و از پشت در بدون این که مرد چهره امام را ببیند به او مبلغی پرداخت می نماید.

ای فرزند رسول خدا من مردی از دوستان شما و پدران هستم، من اینک از مکّه معظمه برمی گردم، و زاد و توشه ام را تمام کرده ام، و اکنون قدرت این که بتوانم یک منزل راه بروم ندارم، و اگر ممکن باشد ما را تا ولایت خود برسانید. من در مملکت خود دارای مال و ثروت هستم و هرگاه به منزل خود رسیدم مبلغ مورد احتیاج را از طرف شما به فقرا و نیازمندان صدقه خواهم داد، زیرا خود مورد صدقه دیگران نیستم. حضرت رضا علیه السلام، پس از استماع سخنان این مرد از جای خود حرکت فرمودند و به یکی از اطاق های منزل رفتند، پس از مدتی بازگشتند و دست خود را از لای درب اطاق بیرون کردند به طوری که آن مرد صورت حضرت رضا علیه السلام را ندیدند، و امام علیه السلام مبلغ دویست دینار به آن مرد محتاج مرحمت فرمودند و گفتند: از این مبلغ نیازمندی های خود را رفع کن، و زاد و توشه بین راه فراهم گردان، و از طرف من هم انفاق نکن، و اینک از خانه بیرون رو تا همدیگر را مشاهده نکنیم. هنگامی که آن شخص از منزل حضرت رضا علیه السلام خارج شد از آن جناب پرسیدند: چرا با این مرد چنین رفتار کردید. فرمودند: خواستم وی صورت مرا نبیند، و من هم ذلت سؤال را در چهره او مشاهده نکنم (مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۳۶۱).

در این حدیث شریف امام رضا علیه السلام مخاطب خود را، که آماده کوچک شدن و تحقیر است، با تکریم، علاوه بر انتقال پیام، آماده پذیرش آموزه های اهل بیت علیهم السلام می نماید.

در حدیثی دیگر فردی از امام علیه السلام مطابق شأن و منزلت ایشان چیزی طلب می نماید که امام علیه السلام انجام آن را ممکن نمی داند. سپس مطابق با شأن خود سؤال کننده چیزی را طلب می نماید. امام علیه السلام دویست دینار به فرد می دهد.

مردی خدمت حضرت رضا علیه السلام رسید و عرض کرد: به اندازه شخصیت و مقام خود به من چیزی عطا کن، فرمود: به این شرط برای من امکان ندارد، عرض کرد: پس به اندازه مقام و موقعیت من عطا فرما، فرمود: این را انجام می‌دهم. سپس متوجه غلام شد و فرمود: دوست دینار به این مرد بده (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۰۰).

فحوای حدیث توجه به شأن سؤال کننده است و امام علیه السلام به طور غیرمستقیم به شخص مقابل منزلتش را گوشزد می‌نماید.
در حدیثی دیگر امام رضا علیه السلام از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل می‌کند که تحقیر مؤمن باعث ننگه داشتن وی در قیامت بر صراط و معرفی او به مردم می‌شود.

هر کس مؤمنی را خوار بدارد یا او را کوچک بشمارد و به جهت فقر و تنگ دستی او را تحقیر کند، خداوند متعال روز قیامت این چنین شخصی را روی پل جهنم نگاه می‌دارد و به مردم معرفی می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۷۰).

دروغ

یکی از موانع برقراری ارتباط مؤثر، عادت فرد به دروغ گویی است. همان طور که صداقت و راست گویی در فرایند ارتباط اثربخش تأثیر مثبت دارد، دروغ گویی باعث لطمه زدن به پایداری ارتباط دارد. در فرهنگ دینی دروغ به شدت مذموم واقع شده است و آن را یکی از عوامل خروج از ایمان قلمداد می‌کنند. امام رضا علیه السلام در حدیثی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله روایت فرموده است:

از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: «آیا مؤمن ترسو هست؟». فرمود: آری. گفته شد: «بخیل هم هست؟». فرمود: آری. گفته شد: «دروغ هم می‌گوید؟». فرمود: «مؤمن دروغ گو نیست» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۳۲).

در حدیثی دیگر امام رضا علیه السلام دروغ گو را فاقد مروت و مردانگی می‌داند (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۵۰).

در احادیث ذکر شده دروغ مخمل به ایمان، مروت و مردانگی ذکر شده است.

ایمان یکی از زیرساخت‌های درونی ارتباط مؤثر است؛ چرا که انسان به وسیله ایمان، خداوند را ناظر اعمال خود می‌بیند و لذا صادقانه با مخاطبان برخورد می‌نماید و از طرف دیگر مخاطبان نیز از ارتباط با وی احساس آرامش می‌نمایند (جانفزا و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۳۶). این آرامش در مخاطب در قبال مروت و مردانگی نیز هست و لذا این عوامل در شروع و استمرار ارتباط نقش مهمی دارند. لذا دروغ با عوارضی که دارد به اعتماد مخاطب لطمه زده و موجب عدم تداوم ارتباط خواهد شد.

فخر فروشی

یکی از موانع برقراری ارتباط مؤثر خود بزرگ‌بینی و فخرفروشی است. این نقیصه اخلاقی موجب دوری افراد از انسان می‌شود. در تعالیم رضوی علیه السلام نیز، مؤمنین از این رفتار منع شده‌اند. در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده است ابی نصر بزنتی، یکی از بهترین اصحاب امام علیه السلام، با مرکبی که امام علیه السلام برایش فرستاده است قدم به خانه امام علیه السلام می‌گذارد و تا پاسی از شب را با ایشان می‌گذراند. هنگام برگشت، امام علیه السلام وی را توصیه به ماندن نموده و جایی مخصوص برایش می‌گستراند. ابی نصر در آن هنگام از این واقعه بر خود می‌بالد که امام رضا علیه السلام ضمن مذمت فخرفروشی سخنی از امیرالمؤمنین علیه السلام که فخرفروشی در پیشگاه خدا انسان را ذلیل می‌کند را برای ابی نصر نقل می‌نماید.

ای احمد! امیرالمؤمنین علیه السلام به عیادت زید بن صوحان رفت و او از این عیادت به دیگران افتخار می‌کرد. فرمود: افتخار نکن و در پیشگاه خداوند خود را ذلیل و ناتوان بدان (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۱۲).

بهتان

یکی از رذایل اخلاقی قرار دادن فرد در موضع بهتان است. این رذیله از موانع برقراری ارتباط اثربخش بوده و در متون دینی ما به شدت مذمت شده است. در

گفتار رضوی علیه السلام نیز به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

﴿۴۱﴾

کسی که به مؤمن بهتان بزند یا درباره او سخنان ناروایی بگوید، پروردگار روز قیامت او را بر تلی از آتش قرار خواهد داد تا از تهمت و افترای که به او زده است خارج گردد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۳).

پیامبر صلی الله علیه و آله در این حدیث شریف اثر واقعی عمل بهتان را به نمایش می گذارد. فردی که تهمت و افترا به طرف مقابل می بندد، عملی غیر واقع و دروغ را به وی نسبت می دهد و به طور طبیعی بازدارنده هایی که برای دروغ گفته شد در این جا نیز موجب اخلال در ارتباط های بعدی خواهد شد، بلکه با شدت بیشتری موجب عداوت طرف مقابل خواهد بود؛ چرا که با ایراد بهتان موجب ظلم به شخص مورد تهمت می شود و به لسان حدیث شریف تنها آتش است که موجب خروج تهمت زنده از افترا خواهد شد.

غیبت

در زشتی غیبت در آیات و روایات مطلب به فراوانی آمده است. غیبت آخرین تلاش عاجز (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، حکمت ۴۶۱) و به منزله خوردن گوشت برادر مرده (حجرات/۱۲) تعبیر شده است. امام رضا علیه السلام از قول امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند خانه ای را که در آن غیبت یکدیگر را می کنند یا تکبر می ورزند، دشمن می دارد:

خداوند متعال خانه ای که در آن گوشت باشد دشمن می دارد، یکی از اصحاب گفت: یا ابن رسول الله ما همه گوشت را دوست داریم و در منازل ما همیشه گوشت هست، پس ما چکار کنیم؟ امام علیه السلام فرمود: مطلب آن طور که تو درک کردی نیست، مقصود از آن خانه ای است که در آن گوشت مردم را می خورند و غیبت همدیگر را می کنند، و مقصود از گوشت فربه و پر چربی نیز مردمان متکبر می باشند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۸۸).

در این جا مهم آسیبی است که غیبت به فرایند ارتباط می زند. غیبت موجب

فروریختن منزلت اجتماعی، تزلزل کرامت انسانی و جایگاه فرد در جامعه می‌شود. غیبت در نهایت موجب بدبینی افراد نسبت به یکدیگر و برهم زدن جو صمیمیت و اعتماد بین افراد می‌شود و در این صورت ارتباط مطلوب بین افراد جامعه شکل نخواهد گرفت.

بد زبانی

یکی از موانع ارتباط مؤثر، بد زبانی است. چه بسیار گناہانی است که از طریق زبان به وجود می‌آید و چه بسیار اتفاق می‌افتد که بدزبانی باعث خشم مخاطب و بروز کینه او نسبت به فرد بدزبان می‌شود. امام رضا علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌فرماید:

هر کس شر خود را از مردم باز دارد و مردم از زبان او آسوده باشند، خداوند روز قیامت غضبش را از او نگاه خواهد داشت (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۹۴).

امام رضا علیه السلام در این حدیث شریف، از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله کنترل بدی‌های انسان را از راه زبان نشان می‌دهد و کنترل زبان را موجب رهایی از خشم خداوند در روز جزا می‌داند. به نوعی می‌توان گفت پیامبر صلی الله علیه و آله بدزبانی را، که موجب خشم در بین مردم و اخلال در فرایند ارتباط می‌شود، به شدت مورد بغض خداوند می‌داند که نتیجه آن خشم باری تعالی در روزی است که همگان نتیجه اعمال خود را خواهند دید.

شوخی بیش از حد

در عین این که فضای ارتباط نباید خشک و بی‌روح باشد، ولی شوخی بیش از حد باعث رنجش طرف مقابل می‌شود. گفتیم از عوامل ارتباط اثر بخش شادی روح مؤمن است. همان جا گفتیم این خلُق نباید به ورطه بی‌اخلاقی افتد. در رفتار معصومین علیهم السلام شوخی بیش از حد جایگاهی نداشته است، چنانچه امام رضا علیه السلام

از قول پدرانش، پیامبر ﷺ را چنین توصیف می‌کند:

حضرت رسول ﷺ در سخنان خود گاهی مزاح و شوخی می‌کرد، نه به آن اندازه که خود را سبک کند و دیگری را برنجاند. امام حسین علیه السلام می‌گوید: «از پدرم پرسیدم روش آن حضرت با هم‌نشینان چگونه بود؟». فرمود: حضرت رسول ﷺ همواره چهره‌اش باز، و اخلاقش نرم، و گشاده‌رو بود، وی تندخو و سخت‌گیر نبود، و به کسی ناسزا و دشنام نمی‌داد و از احدی عیب‌جویی نمی‌کرد؛ شوخی نمی‌کرد و از کسی مدح و ستایش نمی‌نمود. حضرت رسول ﷺ از سه چیز خود را نگه داشته بود، با مردم مراء و جدال نداشت، و زیاد حرف نمی‌زد، و از سخنان بی‌فایده احتراز می‌کرد (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۵۱ و نیز ۱۴۰۳ق، ص ۷۹).

مشاجره

مشاجره هنگام برخورد با دیگران هم به ارتباط و هم به پایداری آن آسیب جدی می‌رساند. در تعالیم رضوی نیز بر پرهیز از مشاجره تأکید شده است؛ چرا که از مشاجره نادانی و جهل ظاهر و به وسیله آن عزت و غیرت دفن می‌شود:

از مشاجره با مردم پرهیز کنید، زیرا از وی نادانی و جهل ظاهر می‌شود و عزت و غیرت را دفن می‌کند (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۹۶).

در تحلیل حدیث شریف باید گفت مشاجره در فرایند ارتباط به فرستنده پیام لطمه زده و شخصیت وی را کوچک جلوه می‌دهد. امام رضا علیه السلام مشاجره را باعث ظهور و بروز جهل و نادانی و از بین برنده عزت می‌داند و به طور طبیعی سخن فردی که از عزت شخصیت به حسیض ذلت سقوط می‌نماید مورد توجه مخاطب قرار نخواهد گرفت.

نسبت ناروا

همان گونه که در متون علوم ارتباطات آمده است، نسبت ناروا یا برجسب زدن از موانع برقراری ارتباط مؤثر است. امام رضا علیه السلام در حدیثی از امام صادق علیه السلام

گناهان کبیره را که برمی‌شمرند، می‌فرمایند:

خداوند در قرآن فرموده: اشخاصی که مسلمانان را به اعمال زشت و حرام نسبت می‌دهند، در دنیا و آخرت از رحمت و آمرزش پروردگار دور هستند و برای آنان عذاب بزرگی آماده است (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۸۶).

خشم و غضب

در بدو امر توصیه معصومان علیهم‌السلام به خشم نگرفتن بر دیگران است. امام رضا علیه‌السلام از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند که روزی مردی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تقاضا می‌کند فاصله هر فرد را با بهشت برایش تبیین کند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

هرگز غضب نکن و از مردم چیزی طلب منما؛ آنچه را برای خود می‌پسندی برای مردم هم پسند (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۲۱).

آری خشم از موانع ارتباط مؤثر است، ولی باید توجه داشت خشم در وجود آدمی هست و باید به مدیریت آن همت گماشت. به گواه شواهد موجود، در بعضی اوقات معصومین علیهم‌السلام خشم خود را نمایان کرده و بر مخاطب خود تأثیر لازم را می‌گذاشتند. در حدیثی امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: مؤمن هرگاه غضب کند، غضب او را از راه حق خارج نمی‌کند (شامی، ۱۴۲۰ق، ص ۶۹۱). از فحوای حدیث می‌فهمیم غضب در وجود آدمی هست و انسان باید آن را به درستی مدیریت نماید.

نکته جالب در گفتار امام رضا علیه‌السلام در این خصوص توجه ایشان به بُعد فیزیولوژیک در کنترل خشم است. در احادیث موسوم به احادیث طبی حضرت علیه‌السلام، ایشان به خوردن بعضی از اطعمه برای جلوگیری از تشدید خشم و تغییر در حالت صورت می‌فرمایند:

زیتون غذای خوبی است، دهان را خوشبو می‌کند، بلغم را می‌زداید، رنگ چهره را روشن می‌گرداند، اعصاب را محکم می‌سازد و خشم و غضب را فرو می‌نشانند. نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به علی علیه‌السلام فرمود: زیتون بخور و به بدن بمال، که هر

که زیتون را بخورد و به تن بمالد، شیطان چهل روز به او نزدیک نخواهد شد (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۰).

﴿۴۵﴾

به نظر نکته این حدیث، بحث توصیه امام به نکته‌ای طبی برای پیش‌گیری از خشم، چه از نظر درونی و چه از نظر ظاهری است، که کم‌تر مورد توجه در نکات ارتباطی است.

مجادله و مرء

در عین این که در آموزه‌های دینی به جدال احسن توصیه شده است، ولی از مرء نهی شده است. به طوری که می‌توان گفت مرء باعث محدودیت و بلکه قطع ارتباط خواهد شد. توصیه امام رضا علیه السلام در این خصوص خواندنی است:

با علماء مرء و جدال نکنید که شما را ترک خواهند کرد، و با جهال نیز ستیز نکنید که شما را به جهل نسبت خواهند داد (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۵).

در این حدیث جدال بیهوده با دایره وسیعی نهی شده است.

در حدیثی دیگر امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

خداوند صحبت‌ها و گفتگوهای بلند را که از جدال و ستیز با یکدیگر بلند می‌شود دوست ندارد، و از اتلاف مال و زیادی سؤال نیز بغض دارد (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۳؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۲۹۰).

در خصوص خلیقات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز از امام رضا علیه السلام روایت شده است که ایشان از سه چیز خود را ننگه داشته بود، با مردم مرء و جدال نداشت، زیاد حرف نمی‌زد و از سخنان بی‌فایده احتراز می‌کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۳۱۹).

محدود نمودن ارتباط

یکی از موانع ارتباط مؤثر، اجتناب از ارتباط مستقیم با مخاطبان و ارتباط با واسطه

با مخاطبان است. در فرایند ارتباط، عنصری به نام نوفه یا پارازیت در ایجاد ارتباط اختلال ایجاد می‌کند. هنگامی که واسطه انسانی در فرایند ارتباط قرار می‌گیرد، واسطه می‌تواند نقش دروازه‌بانی اخبار را ایفا نماید و از انتقال همه پیام‌های متقابل از طرفین ارتباط جلوگیری نماید. این عامل همچنین می‌تواند ارتباط را به سمت و سوی خاص هدایت کرده و باعث سوء برداشت و عدم مشابهت معنایی در طرفین گردد.

تلاش ائمه معصومین علیهم‌السلام بر این بوده است که تا حد امکان از هم‌نشینی با دستگاه قدرت، که کانالیزه شدن ارتباطات یکی از لوازم آن بوده است، اجتناب نمایند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مذمت هم‌نشینی با سلطان می‌فرماید:

همنشین پادشاه همچون شیرسوار است، حسرت سواری او خوردند و خود بهتر داند که در چه کار است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۱۹؛ شریف رضی، ص ۴۱۰).

در خصوص امام رضا علیه‌السلام نیز این اعراض به شدیدترین شکل ممکن وجود داشته است، به طوری که امام علیه‌السلام در اصرارهای مکرر مأمون، اولاً از عزیمت به مرو اعراض کرده (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۵۳) و در نهایت با اکراه به هم‌نشینی با مأمون می‌پردازد. ثانیاً در قبال درخواست مأمون مبنی بر پذیرش خلافت، مخالفت و در قبال پذیرش ولایت‌عهدی با اصرار فراوان و ارائه شروط مختلف مانند عدم دخالت در امور، آن را می‌پذیرد و از ابراز اکراه خود ابایی ندارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۸۸).

امام علیه‌السلام با پذیرش محدودیت‌های ولایت‌عهدی، هیچ‌گاه خود را از مواجهه حضوری و ارتباط مستقیم با مردم محروم نمی‌کند (عطاردی، ۱۳۶۷، ص ۵۱۶). حتی امام علیه‌السلام در مقابل گماشته‌ای از اطرافیان خودشان، که فضل بن سهل او را مأمور کانالیزه کردن ارتباط با ایشان کرده است، موضع گرفته و وی را مورد لعن قرار می‌دهد و در هر صورت بدون هماهنگی با وی بارها به بیرون محدوده

دارالاماره عزیمت می نماید (عطاردی، ۱۳۶۷، ص ۵۱۵).

امام علیه السلام به مأمون توصیه می کند که خود به طور مستقیم با مردم در تعامل باشد و از نزدیک به امور مسلمین رسیدگی نماید و مرکز حکومت را به جای مرو به مرکز بلاد مسلمین انتقال دهد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۶۰).

بی توجهی به احساسات طرف مقابل

یکی از موانع برقراری ارتباط مؤثر بی توجهی به احساسات طرف مقابل است. در ابتدای این بحث اشاره ای به موانع مطرح شده توماس گوردون داشتیم. با دقت در بعضی از این مباحث درمی یابیم که دقیقاً موارد مطرح شده با احساسات مخاطب درگیر بوده و اگر مدیریت نشود، احتمال بروز اثر منفی این موانع افزایش می یابد (بولتون، ۱۳۸۸، ص ۴۱). امام رضا علیه السلام در هنگام رفتار با دیگران، احساسات طرف مقابل را نیز لحاظ می کرده اند. چه بسا موقعیت ایجاب می کرد که امام علیه السلام در موضع قضاوت طرف ارتباط باشند؛ حال چه به صورت انتقاد و چه به صورت ارائه راه حل از راه نصیحت. به طور مثال امام علیه السلام بعد از سؤال محمد بن عباد در قبال عدم همراهی با مأمون، بعد از قتل فضل بن سهل، به وی می فرماید:

به آن جناب عرض کردم: «چرا درخواست مأمون را اجابت نکردی و پیشنهادهای او را نپذیرفتی؟»

فرمود: وای بر تو ای ابوالحسن، شما از این قضایا اطلاع نداری و نمی دانی کار از چه قرار است و موضوع چگونه بوده است. راوی گفت: حضرت رضا علیه السلام مشاهده کردند من از سخنان او اندوهگین شدم.

فرمودند: «تو را با این کارها چیست؟»، اگر امور همان طور که می گویی انجام پذیرد و تو اکنون با من همان طور هستی که با او می باشی، روزی تو همواره در آستینت بودی، و تو مانند یکی از افراد مردم بودی (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۶۴).

نکته مهم در این حدیث، دقت نظر امام علیه السلام در توجه به احساس مخاطب ذکر شده است. در این جا ابتدا امام علیه السلام از ظاهربینی مخاطب انتقاد می کند، ولی با دیدن چهره خجالت زده و اندوهناک وی سعی در تغییر فضا با لحنی همدلانه و توأم با دستگیری از محمد بن ابی عباد را دارد، تا احساس شرمساری وی با آرامش جایگزین شود.

تفاوت برخورد

یکی از موانع ارتباط اثربخش تفاوت قائل شدن بین افراد است؛ هر چند این خصیصه نیز با حدود و ثغوری مورد قبول است. خداوند متعال در قرآن کریم بر برتری افرادی بر سایر افراد با ملاک تقوا تأکید دارد:

﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (حجرات/۱۳)؛ در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید، خداوند دانای آگاه است.

گفت حق نی بل که لا انساب شد	زهد و تقوی فضل را محراب شد
این نه میراث جهان فانی است	که به انسابش بیایی جانی است

(مولوی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۲)

یا در جای دیگر، مهاجرین را یا مجاهدین در راه خدا را بر دیگران برتری بخشیده است، ولی در همین تعالیم مواردی همچون نژادگرایی یا ترجیح براساس ثروت، مورد نکوهش قرار گرفته است. امام رضا علیه السلام در حدیثی از تفاوت برخورد مسلمان فقیر با غنی به شدت انتقاد نموده و آن را موجب خشم خدا در قیامت می داند:

هر کس با فقیر مسلمانی برخورد کند و بر او مانند غنی و مال دار سلام نکند، روز قیامت مورد غضب خداوند قرار خواهد گرفت (ابن بابویه، ۱۳۶۶، ص ۴۴۲).

در مثال‌های فوق با این که تفاوت برخورد به عنوان یک رذیله اخلاقی مذمت شده است، ولی نکته‌ای که باید از حیث ارتباطی مورد توجه قرار گیرد، آثاری است که به فرایند ارتباط لطمه خواهد زد. مخاطب حدیث رضوی علیه السلام، مسلمانان هستند و در صورت عدم توجه مخاطبین به این توصیه امام علیه السلام، علاوه بر آثار دیگری که رفتار مخاطب بر شخص فقیر می‌گذارد، موجب دوری وی و در نهایت عدم ایجاد ارتباط برای انتقال رفتار یک مسلمان خواهد شد.

هم‌نشینی با بدان

طبق آموزه‌های رضوی علیه السلام، هم‌نشینی با بدان در نحوه برخورد با دیگران تأثیر منفی گذاشته و موجب بدبینی به نیکان را فراهم می‌آورد. امام رضا علیه السلام از جدش امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌فرماید:

هم‌نشینی با بدان موجب بدبینی نسبت به نیکان است (ابن بابویه، پیشین، ۱۳۷۶، ص ۴۴۶).

در تحلیل این حدیث شریف بیشتر امیرالمؤمنین علیه السلام به آسیبی که این موضوع به فرستنده پیام وارد می‌نماید، تأکید دارند؛ چرا که بدبینی به نیکان موجب عدم اعتماد، و عدم اعتماد موجب عدم شنیدن پیام به وسیله مخاطب خواهد شد.

پیام‌های غیرکلامی نامناسب

همان طور که گفتیم پیام‌های غیرکلامی در ایجاد ارتباط مؤثر نقشی مهم به عهده دارند و برای کسی که می‌خواهد با مخاطب خود به طور مؤثر ارتباط برقرار کند، ناگزیر به تدقیق در این زمینه ارتباطی است. باید توجه داشت به همان میزان که پیام غیرکلامی مناسب در جهت اثربخش ارتباط قدم می‌گذارد، نوع نامناسب آن از اثربخشی ارتباط به شدت می‌کاهد. نیاز به توضیح نیست که پوشیدن لباس نامناسب در یک مجلس چگونه باعث گوش ندادن و نپذیرفتن گوینده می‌شود.

امام رضا علیه السلام در نامه‌ای به جواد الائمه علیه السلام از شیوه غلامان برای بیرون بردن ایشان سخن می‌گوید که از روی بخل ایشان را از در کوچک به بیرون می‌برند. امام رضا علیه السلام به فرزندش توصیه می‌کند حتماً از درب بزرگ خارج شود و علاوه بر آن با بخشش مال به خویشان، بزرگی خود را بیش از پیش به دیگران نشان دهد و حاجت مردم را برآورد:

در نامه‌ای که حضرت رضا علیه السلام برای ابوجعفر نوشته بود، خواندم: ای ابوجعفر به من خبر رسیده که هرگاه اراده می‌کنی سوار شوی غلامان تو را از در کوچک بیرون می‌آورند، آنها این کار را از روی بخل انجام می‌دهند و در نظر دارند خیر تو به کسی نرسد، اینک به حقی که من بر گردن تو دارم، باید ورود و خروج تو از درب بزرگ باشد.

هنگامی که از منزل بیرون می‌روی باید مقداری درهم و دینار همراه داشته باشی، و هر کس از تو چیزی خواست، و حاجتی داشت باید در انجام حوائج و خواسته‌های مردم کوشا باشی، و اگر یکی از اعمام تو چیزی طلب کرد، باید کم‌تر از پنجاه دینار ندهی و اگر زیاده دادی بهتر است و اگر یکی از عمه‌هایت چیزی خواست باید کم‌تر از بیست و پنج دینار ندهی و اگر زیاد دادی مختار هستی. من می‌خواهم خداوند مقامت را بالا برد، اینک انفاق کن و از فقر و فاقه واهمه مکن (ابن بابویه، پیشین، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۳).

ستایش افراطی مخاطب

یکی از نکات جالب تفاوت شیوه ارتباط مؤثر اسلام با غرب در این بحث نهفته است. بر طبق راه کارهای روان‌شناسان غربی، از نقاط آغازین گفتگو با شخصی که تازه با او آشنا شده‌ایم، تعریف کردن از مخاطب است (گابور، ۱۳۸۹، ص ۲۷). حال طبق آموزه‌های دینی همان‌گونه که انتقاد گزنده، مانع برقراری ارتباط مؤثر است، ستایش افراطی مخاطب نیز گاهی مشکل‌ساز است؛ چرا که مخاطب احساس می‌کند ستایش فراتر از حد او، نوعی چاپلوسی (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، حکمت ۳۴۷)، یا ابزاری برای فریب و اغفال وی و در نتیجه وادار کردن او به پذیرش یک کار یا مطلب است. بدین جهت و نیز به دلیل آثار نامطلوب که

این کار بر روحیه و اخلاق مخاطب می‌گذارد، در آموزه‌های دینی از این خصیصه نهی شده است، تا آنجا که رسول خدا ﷺ فرموده است:

به ستایش کنندگان، خاک پاشید! (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۱).

در تعالیم رضوی ﷺ نیز این عمل مورد قبول نیست. امام رضا ﷺ در حدیثی که مخاطب به ایشان می‌گوید به خدا قسم تو بهترین مردم هستی (رسولی محلاتی، ۱۳۶۵، ص ۴۲۷) در جواب می‌فرماید:

«لَا تَحْلِفُ يَا هَذَا خَيْرٌ مِنِّي مَنْ كَانَ أَتَقَى لِلَّهِ تَعَالَى وَ أَطْوَعَ لَهُ وَ اللَّهُ مَا نَسِخَتْ هَذِهِ الْآيَةُ ﴿ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ﴾» (حجرات/۱۳) (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۳۶؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۱۴)؛ ای مرد به خداوند قسم نخور، بهتر از من آن کسی است که تقوایش بیشتر و فرمانبرداریش از خداوند زیادتر باشد، به خداوند سوگند این آیه شریفه قرآن که خداوند می‌فرماید ما شما را دسته دسته قرار دادیم، تا یک‌دیگر را بشناسید.

در این حدیث امام ﷺ ضمن آموزش این مطلب که راه برگزیده شدن برای همه مهیاست و اکرم مردم بودن با تلاش و با متصف شدن به تقوای الهی برای همه امکان‌پذیر است، با ظرافت تمام ستایش افراطی را تقیح می‌فرماید.

نصیحت

نصیحت در بدو امر مورد تأکید متون دینی است، ولی در بعضی موارد به دلیل ماهیت از بالا به پایین بودن، کم اثر است و گاه نتیجه عکس خواهد داشت. جالب آن که در گفتار رضوی ﷺ نیز رگه‌هایی از این ملاحظه را می‌توان یافت. به طور مثال گروهی از اهل خراسان از خاندان سادات، به دلیل کارهای ناشایست ایشان، نزد امام ﷺ گله می‌کنند که جواب امام ﷺ در این خصوص شنیدنی است:

«جَاءَ قَوْمٌ بِخُرَّاسَانَ إِلَى الرَّضَا ﷺ فَقَالُوا إِنَّ قَوْمًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ يَتَعَاطُونَ أُمُورًا

فَبِيحَةٍ فَلَوْ نَهَيْتَهُمْ عَنْهَا فَقَالَ لَا أَفْعَلُ فَقِيلَ وَلِمَ قَالَ لِأَنِّي سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ
النَّصِيحَةُ خَشِينَةٌ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۹۰؛ همان، ۱۳۸۵، ج ۲،
ص ۵۸۱)؛ مرا با ایشان کاری نیست؛ چرا که پند و نصیحت خشونت می‌آورد.

البته باید مد نظر داشت با توجه به استفاده امام علیه السلام از نصیحت در قبال دیگر
افراد، حتی مأمون، شرایط نصیحت و اثربخشی آن مد نظر حضرت بوده است و
این مسأله را باید در شرایط امر به معروف و نهی از منکر در دین مبین اسلام
جستجو کرد. به نظر می‌رسد این حدیث شریف می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های
ما در خصوص امر به معروف در فرهنگ رضوی علیه السلام مورد توجه باشد.

نتیجه‌گیری

آنچه در سطور گذشته آورده شد، بازدارنده‌ها یا موانع ارتباط اثربخش با
مخاطبان بود که با تأمل در ابواب مختلف روایات مبین وحی امام هشتم علیه السلام به
عنوان چراغ هدایت به دست آمد. این نکات گر چه در احادیث دُرسان دیگر
معصومان علیهم السلام هم به چشم می‌خورد، ولی چنان که گذشت - در احادیث امام
رضا علیه السلام با توجه به تنوع مخاطبان آن حضرت و شرایط خاص دوران امامت
ایشان، با توجه به دسته‌بندی موجود در علوم ارتباطات مثال‌های ارزنده‌ای یافت
می‌شود که برای مخاطب امروز به خوبی نمایان‌گر این بازدارنده‌ها در برقراری
ارتباط اثربخش است.

به نظر می‌رسد با توجه به مفهومی بودن این شیوه‌ها، با تعمق بیشتر در احادیث
آن حضرت می‌توان روش‌های دیگری را نیز فراروی متعلمان پیام‌عترت آل
طاها علیهم السلام قرار داد. حاصل دیگر این پژوهش آن که اگر از دریچه‌هایی که
عالمان علوم مختلف، چه ارتباطات و چه غیر گشوده‌اند، به احادیث
معصومان علیهم السلام نگریسته شود و به تعبیر امام علی علیه السلام اگر انسان مستنطقانه به سراغ
این احادیث برود، نکات ارزشمند و کارآمدی برای زندگی به سبک مطلوب
شرعی به دست خواهد آمد.

منابع و مأخذ

• قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۶)، الامالی، تهران، کتابچی.
۲. ----- (۱۳۷۶)، الخصال، تهران، کتابچی، چاپ ششم.
۳. ----- (۱۳۸۵)، علل الشرایع، قم، کتاب فروشی داوری، ج ۲.
۴. ----- (۱۳۷۸ق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ج ۲.
۵. ----- (۱۴۰۳ق)، معانی الاخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۶. ----- (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، علامه، ج ۴.
۸. بحرانی، سید هاشم (۱۳۷۴)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه البعثة، ج ۵.
۹. بولتون، رابرت (۱۳۸۸)، روان شناسی روابط انسانی، ترجمه حمید رضا سهرابی، تهران، رشد، چاپ پنجم.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غررالحکم و دررالکلم، قم، دارالکتب الاسلامی.
۱۱. جانفزا، علی و خیاط، علی (۱۳۹۳)، «زیرساخت های درونی ارتباط مؤثر در احادیث امام رضا علیه السلام»، فرهنگ رضوی، ش ۵.
۱۲. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴)، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، هدایتة الأمة فی معرفة الائمه، تصحیح گروه حدیث بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ج ۶.
۱۴. رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۶۵)، «جنبه های اخلاقی و سیره عملی حضرت رضا علیه السلام»، مجموعه آثار نخستین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۵. شامی، یوسف بن حاتم (۱۴۲۰ق)، الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم، قم، جامعه مدرسین.
۱۶. شریف رضی (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، تصحیح فیض الاسلام، قم، هجرت.
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضوی، چاپ چهارم.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، الامالی، قم، دارالثقافه.
۱۹. ----- (۱۴۱۱ق)، مصباح المتہجد و سلاح المتعبد، ج ۱، بیروت، مؤسسہ فقه الشیعہ.

۲۰. عطاردی، عزیزالله (بی‌تا)، اخبار و آثار حضرت رضا علیه السلام، تهران، انتشارات کتابخانه صدر.
۲۱. ----- (۱۳۶۷)، راویان امام رضا علیه السلام در مسند الرضا علیه السلام، مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام.
۲۲. ----- (۱۴۰۶ق)، مسند الامام الرضا علیه السلام، مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب اسلامیة، چاپ چهارم، ج ۴.
۲۴. گابور، دون (۱۳۸۹)، مهارت‌های گفت‌وگو، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران، پیک بهار، چاپ هفتم.
۲۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ج ۴.
۲۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، تصحیح علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم، المؤتمر العالمي لالفيّة الشيخ المفيد، چاپ اول.
۲۷. مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۷۵)، مثنوی معنوی، تهران، پژوهش.